

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۲

جمعه ۱۶ تیر ۱۴۰۲، ۷ جولای ۲۰۲۳

### جنبش دفاع از توماج صالحی

شهلا دانشفر

توماج صالحی خواننده معروف مردمی با حکم افساد فی الارض در خطر اعدام قرار دارد. حکومت منفور اسلامی می‌خواهد او را به‌خاطر صدای رسایش علیه جهنم موجود نابود کند. این خطر باعث شده است که در سطح جامعه اعتراضات و جنب‌وجوش گسترده‌ای در دفاع از توماج به جریان بیفتد.



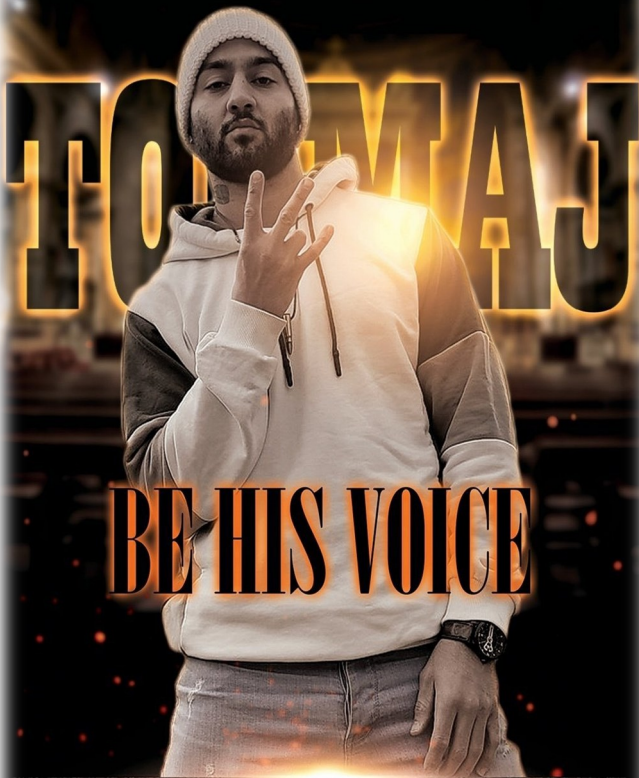
مردم وسیعاً خواستار آزادی فوری او هستند. توماج باید آزاد شود و اگر گزندی به او برسد حکومت اسلامی باید بداند که با امواج کوبنده‌تر خیزش‌های مردم خشمگینی مواجه خواهد شد. توماج سنبل همه زندانیان سیاسی است. مردم همه‌جا می‌گویند چرا حبس ابد، توماج باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود. در عکس‌العمل به این جنب‌وجوش گسترده در دفاع از توماج، سایت حکومتی تسنیم از منبعی مبهم اعلام کرد که حکم توماج به حبس ابد تقلیل داده شده است. این قطعاً تقلایی برای فرونشاندن خشم و اعتراضات مردمی است. اما کور خوانده‌اند. مردم می‌گویند چرا حبس ابد او باید آزاد شود.

این چنین است که جامعه وسیعاً به حمایتش برخاسته است. در خارج کشور نیز روز ۱۶ تیر به‌عنوان روز اعتراضات سراسری در حمایت از توماج اعلام شده و فراخوان‌های متعددی برای آکسیون در این روز داده شده است. در ایران همبستگی با توماج صالحی و علیه اعدام از همه‌جا موج می‌زند. دوباره فریاد شبانه مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای در محلات و در حمایت از توماج سر داده شروع شده است. شعارنویسی بر دیوارها، محلات و خیابان‌های شهرها، برچسب نویسی اعتراضی در حمایت از توماج صالحی و انقلاب زن زندگی آزادی، آویزان کردن بنر با عکس توماج در خیابان‌ها و پخش تراکت برای آزادی او فراوان دیده می‌شود. ترانه‌های او در مدیای اجتماعی همه‌جا پخش است. معلمان با پخش ترانه توماج در کانال تلگرامی‌شان همبستگی خود را با وی که صدای اعتراضشان بوده اعلام داشتند.

طوفان توییتری نیز در حمایت از او در جریان است. به‌طور مثال روز ۱۵ تیرماه هشتگ #توماج\_صالحی صد هزار بار تویت شده و این کارزار ادامه دارد. همچنین تصاویری از پیام‌های دست‌نویس در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته که بر روی آن‌ها نوشته شده: "توماج صالحی خط‌قرمز ملت ایران". در همین حال در شبکه‌های اجتماعی فراخوان‌هایی برای

ادامه در صفحه ۲

FREE TOOMAJ



BE HIS VOICE

DISSIDENT RAPPER TOOMAJ HAS BEEN KIDNAPPED

TOOMAJ FACES TORTURE AND HIS LIFE IS IN DANGER

FREE TOOMAJ SALEHI

#ToomajSalehi

## در مورد کارزار فدراسیون سراسری پناهندگان

گفتگو با عبدالله اسدی

صفحه ۳

ما باختیم، خیلی بد باختیم!

سخنان آخوند محمد زکایی استاد حوزه علمیه قم

صفحه ۶

انقلاب زن زندگی آزادی و مسئله اتحاد مردم

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۷

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰

امروز مردم می‌کوشند که صدای او باشند. توماج نماد دیگری از انقلاب زن زندگی آزادی است و باید فوراً آزاد شود.

توماج صالحی هشت ماه است که در زندان است و اکنون دومین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده‌اش او را با اتهامات سنگینی مفسد فی الارض خوانده است و معنای چنین اتهاماتی در حکومت اسلامی مرگ است. توماج جاننش در خطر است به نجات جاننش بشتابیم. نابود باد حکومت اعدام و زندان!

### جنبش دفاع از توماج صالحی از صفحه نخست

اعتراض‌های خیابانی در روز ۱۸ تیرماه هم‌زمان با سالگرد کوی دانشگاه منتشر شده است.

در کنار کارزار حمایت از توماج صالحی، شماری از کاربران نیز با ابراز نگرانی از وضعیت عباس دریس، از معترضان آبان ۹۸ که به اعدام محکوم شده، خواستار آزادی او شده‌اند.

دادخواهان در کانال تلگرامی خود در حمایت از توماج و همچنین عباس دریس بیانیه داده و همگان را به حمایت از این خواننده محبوب و عباس دریس فراخوانده‌اند. در پیام دادخواهان چنین آمده است:

” هفته‌ای که در پیش است باید در انتظار صدور حکم برای توماج صالحی خواننده مردمی رپ باشیم که به اتهام افساد فی الارض و رابطه با دول متخاصم محکوم شده است، اتهاماتی که در طی چندین دهه، سایه مرگ و طناب دار و احکام سنگین قضات حاکم بر ایران می‌شناسیم و زخم‌های عمیقی از آن خوردیم.

توماج صالحی صدای اعتراض خانواده دادخواهان و همه بخش‌های اعتراضی جامعه بوده است و اعتراض جرم نیست. هنوز داغ عمیق جان‌باختگان آبان ۹۸ و نیزارماهشهر زنده است که حکم اعدام عباس دریس کارگر و پدر چند فرزند در شهر ماهشهر را تأیید کرده‌اند. او کارگر اداره برق ماهشهر بوده و بعد از بیست سال کار اخراج شده و به دست‌فروشی روی آورده و در سال ۹۸ دستگیر شده است و هر لحظه خطر مرگ جاننش را تهدید می‌کند. اعدام حکم مرگ دولتی است و باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شود. ما دادخواهان که هر کدام به‌گونه‌ای عزیزانمان را در پی صدور احکام مرگ در زندان‌ها و خیابان‌ها از دست داده‌ایم دیگر نمی‌خواهیم شاهد تعرض دیگری بر تن و جان خود باشیم و از همه مردم و نهادهای حقوق انسان‌ها می‌خواهیم صدای توماج صالحی و عباس دریس باشید! توماج‌صالحی و عباس دریس بدون قیدوشرط و فوراً آزاد شوند! دادخواهان - تیرماه ۱۴۰۲.

اصفهان با شنیدن این خبرها ناآرام است و مردم در چندین خیابان به تجمع اعتراضی و راهپیمایی فراخوان داده‌اند. توماج صالحی، هنرمند آزادی‌خواه درحالی‌که هیچ جرمی مرتکب نشده، بیش از هشت ماه را در سلول انفرادی وزارت اطلاعات اصفهان تحت بازجویی و فشارهای روحی و جسمی سپری کرده است.

توماج خواننده رپ است و درد مردم را با زبان هنری زیبایش فریاد زد و گفت رپ صدای اعتراض است. توماج اعتراض را حق مردم خواند و در مورد حق اعتراض و ترسیدن از نقد و اعتراض می‌گوید: ”ابتدایی‌ترین حق شهروندی یک انسان، نقد کردن و اعتراض کردن است. اعتراض کردن حق جامعه است و باید به وضعیت نامناسب اعتراض کرد. کسی که دزدی و اختلاس کرده است باید بترسد، کسی باید بترسد که مملکت را به این روز کشانده که باعث افسردگی، خودکشی، اعتیاد، سرخوردگی و مهاجرت جوانان و مردم شده است. کسی که به مردم شلیک کرده و دستور شلیک داده باید بترسد. این کشور تعلق به مردم آن دارد و مردم صاحب آن هستند، حق دارند اعتراض کنند. ترسید، کار درست را انجام دهید و از هیچ چیزی هم ترسید“.

توماج در ترانه‌هایش از معلم و کودک کار گفت. علیه کودک‌همسری و در دفاع از حقوق زن گفت، از زندان و اعدام گفت، از کوچه‌های جنگ علیه بی‌عدالتی‌ها گفت. توماج صدای رسای اعتراض مردم در کف خیابان است و





# Toomaj

# توماج

## باید فوراً آزاد شود!

۱۵/۱۱

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

## در مورد کارزار فدراسیون سراسری پناهندگان گفتگو با عبدالله اسدی



**انترناسیونال:** فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در اعتراض به شرایط پناهجویان پرونده‌بسته در سوئد کارزاری را به جریان انداخته است و تلاش می‌کند توجه و حمایت گسترده‌ای را برای این پناهجویان جلب کند. اینجا گفتگویی داریم با عبدالله اسدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی (همبستگی):

عبدالله اسدی! شما شرایط کنونی پناهجویان را در کشورهای غربی و مشخصاً اروپایی به‌طور کلی نسبت به چند سال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟ سیاست‌های پناهنده‌پذیری در این کشورها چه سمت‌وسویی دارد و پناهجویان با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

**عبدالله اسدی:** اجازه بدهید پاسخ به این سؤال را از تازه‌ترین تحولات و جدیدترین تصمیمات در اتحادیه اروپا شروع کنم. وزرای داخله کشورهای اتحادیه اروپا در روزهای پایانی خردادماه سال جاری برای یک طرح بازنگری در سیاست‌های مهاجرتی و پناهنده‌پذیری خود به توافق رسیدند. بر اساس توافقات صورت‌گرفته، از این به بعد روند اداری و پروسه رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی در کشورهایی مثل اسپانیا، یونان و ایتالیا که به محل اولیه ورود گسترده پناهجویان تبدیل شده، کوتاه‌تر می‌شود تا از این طریق فشار روی این کشورها کمتر شود. مورد بعدی و مهم‌تر توافق انجام شده این است که از این به بعد، بخشی از پناهجویان به‌صورت رسمی از این کشورها به سایر کشورهای اروپایی منتقل شوند و چنانچه کشورهای میزبان از پذیرش این سهمیه‌ها امتناع نمایند، باید در ازای هر نفر، بیست هزار یورو جریمه بپردازند. مورد دیگری که وزرای اتحادیه اروپا بر سر آن به توافق رسیده‌اند این است که پناهجویانی که دلایل کافی برای درخواست پناهندگی نخواهند داشت، با روش‌هایی هرچه سریع‌تر به کشورهای مبدأ بازگردانده شوند.

طرح جدید اتحادیه اروپا کشورهایی مانند اسپانیا، یونان و ایتالیا را نیز موظف می‌کند که روند رسیدگی به پرونده مهاجران را در یک پروسه زمانی ۱۲ هفته‌ای به سرانجام برسانند و سهم دیگر کشورهای این اتحادیه را مشخص نمایند. کمیسیون اروپا در تلاش است تا خردادماه سال ۲۰۲۴ و پیش از انتخابات پارلمان اروپا، به این تغییرات جنبه عملی و اجرائی بدهد.

این توافقات با شرکت ۲۷ وزیر از ۲۷ کشور اعضای اتحادیه اروپا در ۱۸ خرداد سال جاری در لوکزامبورگ و در پشتیبانی از کشورهایی مانند ایتالیا، اسپانیا و یونان، به‌عنوان نخستین میزبانان مهاجران و پناهجویان به‌دست‌آمده است. سال گذشته ۱۶۰ هزار پناهجو از مسیر دریا وارد اتحادیه اروپا شده‌اند. آمار ورود پناهجویان به قلمرو اتحادیه اروپا نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است. کار بجایی رسیده که ایتالیا به‌خاطر هجوم گسترده پناهجویان از مسیر آفریقا، در جنوب آن کشور برای شش ماه وضعیت اضطراری اعلام کرده است. در پنج ماه نخست سال ۲۰۲۳ از ۶۸ هزار پناهجو که از مسیر دریای مدیترانه وارد محدوده اروپا شدند، ورود ۵۱ هزار نفر از آنها فقط به ایتالیا بوده. ایتالیا در قیاس با اسپانیا و یونان که دو مسیر ورود بیشترین پناهجویان محسوب می‌شوند، ۸۰ درصد از کل پناهجویان را در خود جای‌داده است. در همین مدت نیز حدود ۲۵۰۰ پناهجو در گذرگاه‌های خطرناک جان خود را از دست‌داده و یا مفقود شدند. آمار تلفات جانی پناهجویان به دلیل

کنترل‌های شدید مرزی از سوی سربازان فرانتکس (نیروهای حفاظت از مرزها) به‌شدت افزایش یافته است. تازه اگر کشتی‌ها و قایق‌های امدادرسان مربوط به سازمان‌های خیریه و غیردولتی که وظایف اصلی‌شان گشت‌زنی برای نجات مهاجران گرفتار در دریاهاست نباشند، تلفات جانی پناهجویان چندین برابر افزایش می‌یابد، چون نیروهای مرزی و دولتی تلاش زیادی برای نجات قایق‌های در حال متلاشی شدن نمی‌کنند و حتی در بسیاری از موارد به دلیل بازگرداندن قایق‌ها به مسیرهای اولیه، خود به عامل اصلی تلفات جانی تبدیل می‌شوند.

به‌رحال کمیسیون اروپا این توافق را در زمینه پذیرش پناهندگی بسیار مهم تلقی کرده است. نانسی فایزر، وزیر کشور آلمان این توافق را تاریخی توصیف کرده است. ایلوا یوهانسون، کمیسر امور داخلی اروپا نیز گفته است این توافق برای همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا یک دستاورد بزرگ محسوب می‌شود.

لهستان و مجارستان از موضع راست و ضد پناهندگی با این تغییرات جدید به‌شدت مخالفت کرده و در صدد جلوگیری از تصویب این طرح برآمده‌اند. دیوان عالی اروپا مجارستان را به نقض حقوق پناهندگی متهم کرده است. این دو کشور عملاً گفته‌اند ما پناهجویان مسلمان را نمی‌پذیریم. اقدام دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا در جلسه روز پنجشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۲۳ این بوده که با کشور تونس نیز وارد بستن قراردادی مانند قرارداد سال ۲۰۱۶ با ترکیه شوند، تا از ورود پناهجویان به‌سوی اروپا جلوگیری کند، چون تونس برای پناهجویان از مسیر کشورهای آفریقایی موقعیتی مشابه ترکیه برای پناهجویان از خاورمیانه پیدا کرده است.

**انترناسیونال:** در مورد کمپین اخیر فدراسیون در اعتراض به شرایط پناهجویان پرونده‌بسته در سوئد نیز لطفاً صحبت کنید، و توضیح دهید به چه پناهجویانی پرونده‌بسته گفته می‌شود و این که دلیل برپایی چنین کمپینی و خواسته‌های مشخص شما چیست. در این زمینه آیا توانسته‌اید به موفقیتی برسید؟

**عبدالله اسدی:** در اکثر کشورهای غربی تقریباً یک سیستم واحد برای تشخیص وضعیت متقاضیان پناهندگی وجود دارد. برای مثال در مراحل اولیه اداره مهاجرت در مراحل دوم دادگاه اداری مهاجرت و سوم دادگاه عالی مهاجرت. چنانچه درخواست یک متقاضی پناهندگی از این سه مرجع پاسخ منفی بگیرد، پرونده پناهندگی‌اش برای همیشه بسته خواهد شد. به این دسته از پناهجویان، پناهجویان پرونده‌بسته گفته می‌شود که وقتی به این مرحله می‌رسند عملاً شانس کسب اجازه اقامت را از دست می‌دهند.

کمپینی که در سوئد از پنجم مارس سال جاری با یک نامه سرگشاده شروع کردیم جهت فشار به دولت سوئد و جلب توجه افکار عمومی به وضعیت سخت زندگی این دسته از پناهجویان و جهت تغییر رویکرد دولت سوئد نسبت به شرایط کنونی ایران و پناهجویان ایرانی در سوئد است. خواست اولیه ما این است که دولت سوئد شرایط کنونی ایران و نقض سیستماتیک حقوق بشر در آن کشور را در نظر بگیرد و به این پناهجویان اجازه اقامت بشردوستانه و یا تحت هر نام دیگری که خود آنها مناسب می‌دانند، بدهند.



## در مورد کارزار فدراسیون سراسری پناهندگان

از صفحه ۳

محرومیت‌های شغلی و احضار و بازداشت به دلیل عدم رعایت حجاب دنیا را پر کرده است؟ به کشوری که زندان‌هایش از وکیل و معلم، تا فعال کارگری و خبرنگاران و افراد دو تابعیتی و بهایی و مسیحی و درویش و... پر شده است؟

**انترناسیونال:** آیا تابه‌حال مقامات دولت و اداره مهاجرت به این کمپین واکنشی نشان داده‌اند فکر می‌کنید باتوجه‌به سیاست بسیار سخت‌گیرانه‌ای که دولت سوئد اخیراً در پیش گرفته موفقیتی برای پناهجویان پرونده‌بسته حاصل شود؟

**عبدالله اسدی:** موفقیتی که ما به دنبال آن هستیم کار ساده‌ای نیست، بستگی به این دارد که مستقل از تلاش‌های فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کند، خود پناهجویان چقدر برای به‌دست‌آوردن خواسته‌های خود پیگیر و متشکل می‌شوند. ولی تا همین‌جا توانستیم توجه مقامات اداره مهاجرت را به مشکلات واقعی پناهجویان ایرانی جلب کنیم، برای مثال اداره مهاجرت در جواب به نامه‌های فدراسیون به تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳ نوشته است:

آژانس مهاجرت سوئد ایمیل‌هایی را به تاریخ ۵ مارس و ۱۸ ماه ژوئن

۲۰۲۳ از فدراسیون سراسری

پناهندگان ایرانی درمورد

وضعیت ایرانیان در سوئد که

اجازه اقامت ندارند دریافت کرده

است. وضعیت ایران نگران‌کننده

است که آژانس مهاجرت سوئد

در بررسی و ارزیابی

درخواست‌ها آن را مدنظر قرار

می‌دهد. این اداره تحولات ایران

را از نزدیک دنبال می‌کند و

دلایل و شواهد تک‌تک

پناهجویان را برای اجازه اقامت

بررسی می‌کند.

فدراسیون از دولت خواسته

است روی کردشان نسبت به پناهجویان ایرانی تغییر کند. در این مورد نیز اداره

مهاجرت نوشته است در بررسی تک‌تک پرونده پناهجویان ایرانی اوضاع ایران

را در نظر می‌گیریم؛ یعنی در حرف مطالبه ما را پذیرفته است و ما باید تلاش

کنیم که از آن نتایج عملی بگیریم. شخصاً تصور نمی‌کردم در شرایط فعلی

اداره مهاجرت سوئد چنین پاسخی بدهد هرچند دولت و اداره مهاجرت بارها

به نامه‌های فدراسیون پاسخ داده‌اند و سیاست اداره مهاجرت را توضیح

داده‌اند.

**انترناسیونال:** مدت‌هاست که از شرایط وخیم پناهجویان در ترکیه

می‌شنویم. به دلایل متعددی شرایط این دسته از پناهجویان اسفبارتر از

کسانی است که در کشورهای مقصد زندگی می‌کنند. می‌دانیم که فدراسیون

فعالیت ویژه‌ای در رابطه با ترکیه دارد. لطفاً از شرایط پناهجویان در ترکیه برای

خوانندگان ما بگویید و این‌که شما در ترکیه مشغول انجام چه فعالیت‌هایی

هستید؟

**عبدالله اسدی:** بر اساس مشاهدات ما پذیرش پناهجویان ایرانی به‌عنوان

پناهنده کمتر از دو درصد بوده است. بررسی پرونده پناهجویان در دادگاه‌های

مهاجرتی غیابی صورت می‌گیرد و به تمام

آن‌ها پاسخ منفی داده می‌شود. مدارک و

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، بارها در ارتباط با پناهجویان ایرانی به دولت و اداره مهاجرت این کشور نامه نوشته و مشکلات آنها را یادآوری کرده و در این نامه‌ها با جزئیات، شرایط سیاسی و اجتماعی و نقض حقوق بشر در ایران را توضیح داده است. بسیاری از این پناهجویان، جدا از مراحل اولیه‌ای که توضیح دادم که طی چه مراحل پرونده پناهندگی‌شان بسته می‌شود، مراحل دیگری را هم با کمک وکیل و غیره نیز طی کرده‌اند؛ ولی بازهم پاسخ منفی دریافت کرده‌اند، برای همین است که فدراسیون اجازه اقامت بشردوستانه برای آنها درخواست کرده است، برای اینکه آنها نتوانسته‌اند به‌واسطه دلایل پناهندگی، اجازه اقامت بگیرند.

به‌رحال روزی نیست که شماری از آنها با ما در تماس نبوده و از این نهاد تقاضای کمک نکرده باشند. روزی نیست که شماری از آنها تماس نگیرند و نگویند برای چندمین بار پاسخ منفی دریافت کرده‌ایم. روزی نیست که نشویم که کمک‌هزینه شماری از آنها قطع شده و حتی کارت‌های شناسایی از آنها پس گرفته شده و به حال خود رها شده‌اند، روزی نیست که نشویم کودکان

پناهجویان، یا به سن ۱۸ سالگی

گذاشته و به دلیل نداشتن اجازه

اقامت از ادامه تحصیل محروم

نشده باشند.

کار بجایی رسیده که زندگی

بسیاری از خانواده‌های پناهجو

ازهم‌پاشیده است. به‌ویژه

پناهجویانی که سال‌های طولانی

در سوئد زندگی کرده‌اند و مدام

پاسخ منفی دریافت کرده‌اند.

بسیاری از پناهجویان به دلیل

نداشتن اجازه کار و نداشتن

سرپناهی برای زندگی بارها مورد

سوءاستفاده صاحبان مشاغل و سودجویان قرار گرفته‌اند. بسیاری از آنها از سر

بی‌پولی و عدم مراجعه به دکتر به‌شدت گرفتار بیمارهای روحی و روانی و

دردهای ناشناخته شده‌اند.

تنها حرفی که اداره مهاجرت برای این دسته از پناهجویان دارد این است

که بعد از هر بار دریافت پاسخ منفی، آنها را به جلسه دعوت کند و به آنها

اعلام کند که بهتر است که به کشورتان برگردید.

فدراسیون، بارها در نامه‌های خود این سؤالات را در مقابل مقامات دولت و

اداره مهاجرت سوئد قرار داده و پرسیده‌ایم که پناهجویان ایرانی به کدام کشور

باید برگردند؟ به کشوری که اخبار نقض سیستماتیک حقوق بشر در آن از

طریق سرکوب‌های گسترده دنیا را پر کرده است؟ به کشوری که تنها در

اعتراضات چند ماه گذشته که به‌عنوان انقلاب زن زندگی آزادی شهرت پیدا

کرده است، بالغ بر ده‌ها هزار نفر بازداشتی داشته و همه آنها مورد شدیدترین

خشونت‌ها در زندان‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند؟

به کشوری که هر نوع فعالیت برای اقلیت‌های دینی ممنوع اعلام شده و در

صورت فعالیت به زندان فرستاده می‌شوند؟ به کشوری که در آن اقلیت‌های

جنسیتی تحقیر و سرکوب می‌شوند؟ به کشوری که اخبار سرکوب و اجرای

حکم اعدام، مجازات‌های کم‌سابقه زنان، از طریق جرمه‌های سنگین و



در مورد کارزار فدراسیون سراسری پناهندگان  
از صفحه ۴

یو. ان و نه از سوی دولت ترکیه به پناهجویان ایرانی کمک‌هزینه‌ای پرداخت نمی‌شود. کار بجایی رسیده است که امکان تهیه یک وعده‌غذا در روز برای بسیاری از پناهجویان به یک معضل بزرگ تبدیل شده است.

هراس از بازداشت و دیپورت به ایران به یک کابوس همیشگی برای پناهجویان تبدیل شده است. نکته بسیار مهم‌ترین است که صدها کودک پناهجو به دلیل اینکه درخواست پناهندگی‌شان پاسخ منفی گرفته است، اجازه رفتن به مدرسه ندارند و تحقیقات و مشاهدات ما نشان می‌دهد بسیاری از این کودکان به دلیل ماندن در خانه با والدین خود، دچار مشکلات روحی و افسردگی شده‌اند.

نکته دیگر این است که پناهجویان در ترکیه حق تشکل و تجمع و اعتراض ندارند و به انجمن‌ها و نهادهای حمایت از حقوق پناهجویان اجازه دخالت در امور پناهجویان را نمی‌دهند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به همراه برخی از فعالین پناهجو، برای جلب توجه افکار عمومی و پایان دادن به شرایط موجود و ایجاد تغییراتی به نفع آنها به اقدامات متعددی مبادرت کرده است. اما فدراسیون نه قدرت مالی دارد و نه قدرت جابه‌جایی پناهجویان را.

معضل بزرگ دیگر پناهجویان در ترکیه این است که در صورت دریافت پاسخ منفی کملیک‌های (کارت شناسایی) آنها را پس می‌گیرند. دیگر نه می‌توانند تردد کنند، نه می‌توانند به دکتر مراجعه کنند، نه می‌توانند یک بسته ارسالی را از پست بگیرند، و نه بدون کملیک کودکانشان اجازه رفتن به مدرسه پیدا می‌کند، هر جا هم گیر پلیس بیفتند روانه کمپ‌های بازداشتی می‌شوند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بارها به نمایندگی از هزاران پناهجوی ایرانی در ترکیه از این وضعیت به مراجعه بین‌المللی شکایت کرده و از دفتر مرکزی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ژنو خواسته است به‌عنوان یک مرجع بین‌المللی در امور پناهندگان و آوارگان به وضعیت ترکیه رسیدگی کند؛ ولی باین حال به‌خاطر یک سری تعهدات مسخره حاضر به هیچ نوع دخالتی نشده و نمی‌خواهند بشوند.

فعالین فدراسیون در ترکیه مدام مشغول جلوگیری از دیپورت و راهنمایی و برگزاری جلسات با پناهجویان و رسیدگی به مشکلات شخصی و اجتماعی و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای آنها و ده‌ها فعالیت ریزودرشت دیگر در میان آنها هستند. \*

شواهد پناهجویان در حمایت از دلایل درخواست پناهندگی‌شان در نظر گرفته نمی‌شود.

در صورت دریافت پاسخ منفی تنها یک هفته فرصت به آنها برای شکایت داده می‌شود. در عرض یک هفته نه فرصت گرفتن وکیل پیدا می‌کنند و نه حتی در بسیاری از موارد از پاسخ اداره مهاجرت اطلاع پیدا می‌کنند. چنانچه پناهجویان نتوانند در عرض یک هفته شکایتشان را ارسال نمایند، مبلغ ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ لیر جریمه می‌شوند. درحالی‌که پناهجویان نه کمک‌هزینه‌ای دریافت می‌کنند و نه اجازه کسب‌وکار دارند، این جریمه‌ها فشار اقتصادی بیشتری به پناهجویان می‌آورد.

موارد زیادی به چشم می‌خورد که پناهجویان ایرانی در مصاحبه با کارمندان اداره مهاجرت، به دلیل باورهای مذهبی یا بی‌مذهبی و ملی و جنسیتی از جمله مسیحیت، بهائیت، خداناباوری، یا هم‌جنس‌گرایی و یا به دلیل کرد بودن مورد تحقیر و تبعیض و کم‌توجهی قرار می‌گیرند. این در حالی است که متقاضیان پناهندگی مطابق قوانین بین‌المللی، بر اساس همین معیارها مورد حمایت قرار می‌گیرند.

این نوع رفتارها بسیاری از پناهجویان را شدیداً دچار ترس و وحشت کرده است به‌طوری‌که به خود جرئت نمی‌دهند عمق مشکلاتی که آنها را به ترک ایران وادار کرده است بیان نمایند. درحالی‌که بر اساس معیارها و مقررات بین‌المللی پناهجویان باید هنگام درخواست پناهندگی با احساس امنیت بیشتری ترس واقعی خود را از ظلمی که متحمل شده‌اند بیان نمایند.

بیکاری و نداشتن اجازه کار و بیمه درمانی، دو معضل اساسی و پایه‌ای است که زندگی پناهجویان را با چالشی بزرگ روبرو ساخته است. هزینه بالای ویزیت و عدم قدرت خرید دارو باعث شده است که پناهجویان به‌ندرت برای کنترل پزشکی عمومی به مراکز پزشکی و درمانی مراجعه نمایند. انواع بیماری در میان پناهجویان شیوع پیدا کرده است. هزینه بالای مهدکودک و هزینه‌های تحصیلی، اجاره‌خانه‌های بالا، هزینه‌های آب و برق و هزینه‌های روزانه زندگی و عدم وجود دورنمایی امیدوارکننده برای برون‌رفت از این برزخ، روح و روان آنها را سخت تحت‌تأثیر قرار داده است. نه از سوی





## ما باختیم، خیلی بد باختیم! سخنان آخوند محمد زکایی استاد حوزه علمیه قم

ما ظاهرسازی و تبلیغ را بر تربیت نسل ترجیح داده‌ایم. اگر در خانواده اقوام خود بنگریم، متوجه می‌شویم به جز چند پیرزن و پیرمرد که آنها هم تربیت‌شده سالیان بسیار دورند دیگر هیچ‌کدام از پرورش‌یافتگان جمهوری اسلامی حتی نماز نمی‌خوانند که هیچ تمام مظاهر دین را تمسخر می‌کنند. حال هرچه می‌خواهند مسئولان در تلویزیون اصرار بر دین‌داری جوانان نمایند. آینده نشان می‌دهد ایران تبدیل به بی‌دین‌ترین و سکولارترین کشور مسلمان خواهد شد و از دین فقط پوسته‌ای خالی و نامی شعاری بیشتر نخواهد ماند و اگر اتفاقی بیفتد که نظام حکومتی تغییر یابد آنگاه دیگر همین پوسته خالی نیز درهم خواهد شکست و ایران به کشوری لائیک با مردمی فراری از دین تبدیل می‌گردد. نشانه‌های این تغییر بنیادی در رفتارها و ذهن‌کجی‌های جوانان مردم به آنچه مسئولان می‌گویند می‌خواهند مشخص است. استقبال مردم از نوروز و جشن سرور بی‌نظیر مردم، از آثار این تغییر بنیادی در عقاید مردم است.

خداوند همه علمای دین را که سالانه میلیاردها تومان بودجه برای حفظ اسلام می‌گیرند را نخواهد بخشید. ما هم نخواهیم بخشید. اگر همین بودجه‌ها را صرف زدودن فقر می‌کردند بیشتر ارزشمند بود تا آنچه تا کنون دیده‌ایم ما مسلمانیم و اگر می‌گذاشتند خودمان عقایدمان را حفظ می‌کردیم. اما متأسفانه چنین نشد ما فاصله داریم از اسلام آن هم بسیار زیاد.

بارها طلبه‌ها به من می‌گویند ما نمی‌توانیم بالباس روحانیت بیرون برویم از بس مورد ناسزا و سخنان ناروا قرار می‌گیریم. یک روز یکی از طلبه‌ها به من گفت فرزندی دارم شش‌ساله دستش را گرفتم تا برای خرید به بازار برویم هنگام خروج از منزل به من گفت اگر بالباس بیایی من با تو بیرون نمی‌آیم آنجا تمام وجودم را سراپا شرمساری گرفت به یاد سخن مرحوم آیت‌الله شریعتمداری افتادم که می‌گفت روحانیت اگر وارد حکومت شود نه‌تنها خود که دین را نیز از بین خواهد برد به منزل بازگشتم لباسم را درآوردم و در عالم تنهایی گریستم همسرمتوجه حال خرابم شد پرسید چرا منقلبی؟ گفتم چرا نباشم امروز بیست سال تحصیل مرا در حوزه فرزند خردسالم به چالش کشید. ما باختیم خیلی بد باختیم. خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار!\*

توضیح: آنچه ملاحظه می‌کنید متن سخنان محمد زکایی یکی از آخوندهای مشهور و استاد "حوزه علمیه قم" است که سال گذشته در یکصدمین سال "حوزه" آن را در جمع طلاب بیان داشته است. این سخنان نیازی به تفسیر ندارد. گویاتر از همه ما دارد به نفرت عمیق و گسترده مردم از مذهب و آخوند و اسلام اعتراف می‌کند و این واقعیت را تأیید می‌کند که جامعه ایران اکنون ضد مذهب‌ترین جامعه جهان است. در آستانه یک‌سالگی انقلاب زن زندگی آزادی جا دارد که این اعترافات را بازتاب دهیم و به همه مردم متنفر از حکومت اسلامی که این چنین رعشه مرگ بر حکومت و تمام دم‌ودستگاه جنایت و تحمیق و عقب‌ماندگی و سنت‌هایش انداخته‌اند، خسته نباشید بگویم:

اخیراً مشاهده شده در فضای مجازی از مرگ روحانیت، مردم ابراز شادی می‌کنن. دلیل این شادمانی ملی از مرگ یک انسان چیست؟ کجای دنیا مردم یک کشور از مرگ یک انسان چنین به وجد میان؟ آیا مرگ یک انسان می‌تواند شادی بیاورد؟ اگر دقیق شویم در میابیم شادی مردم از مرگ یک انسان نیست شادی آنها از مرگ یک عقیده و یک تفکر رادیکال است که خود را در غالب شادی از مرگ یک نماد آن تفکر به نمایش می‌گذارد و این برای آینده آن عقیده بسیار خطرناک است. در آینده‌ای نه‌چندان دور با خارج‌شدن نسل‌های گذشته دهه ۴۰ به پایین از زندگی دیگر چیزی به نام مذهب اعتقاد در بین نسل‌های جوان نخواهیم دید و شادی امروز مردم در مرگ یک روحانی اولین نشانه‌های مخالفت عمیق و قلبی مردم از ایدئولوژی سیاسی می‌باشد.

مردم عامل فقر و بیچارگی

و گرفتاری خود را در این ایدئولوژی می‌بینند و با مرگ هر نفر از روحانیت، شادی خود را بروز می‌دهند. به نظر می‌رسد سیاست فراروانی به دین و مذهب در کشورمان وارد ساخته هر کدام از ما متوجه فاصله‌گرفتن از اعتقادات مذهبی در بین آحاد مردم شده‌ایم. تنها راه نجات دین و مذهب از آسیب بیشتر خروج روحانیت از پست‌های حکومتی سیاسی و پرداختن به مسائل اعتقادی جامعه هست که البته دیر شده و نسل‌های ۵۰ تا ۹۰ اکثراً بدون مذهب و اعتقاد دینی هستند. پنهان نمودن صورت مسئله نمی‌تواند از آسیب بکاهد. تنها در تلویزیون ما جامعه دین‌دار و متدین نشان داده می‌شود؛ ولی در زیر پوست شهر همه ما می‌دانیم دیگر چیزی به نام دین در بین مردم موضوعت ندارد.

ما نتوانستیم طی ۴۳ سال بر اعتقادات بیفزاییم یا حداقل حفظ کنیم. با تمام بودجه‌های چندین هزار میلیاردی ده‌ها نهاد دینی حوزه‌های علمیه عملاً خروجی آنها صفر و حتی منفی بوده است. باید چاره‌ای اندیشید اسلام سیاسی را رها نمود و دوباره در تربیت صحیح اسلامی مردم گام برداریم دین اسلام هرگز این نیست که ما داریم تبلیغ می‌کنیم.

**نه به اعدام!**

**اعدام قتل عمد دولتی است!**



## انقلاب زن زندگی آزادی و مسئله اتحاد مردم تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید (با کلیک بر روی عکس، این برنامه قابل مشاهده است)

برگردند و دوباره سلطنت را احیا کنند، ربطی به انقلاب زن زندگی آزادی ندارند چه برسد به وحدت مردم در این انقلاب. انقلاب برای ارزش‌هایی شکل گرفته که هیچ نزدیکی و مشابهتی با سیستم و دکترین فکری و ارزشی نیروهای راست ندارد. این نیروها بر قدوسیت آب‌وخاک، مرزها، تمامیت ارضی، کورش هخامنشی، افتخار نیاکان و گذشته سلطنتی و غیره تأکید می‌کنند. سیستم فکری و ارزشی‌شان این است و این سیستم تماماً در نقطه مقابل خواست‌ها و آرمان‌های بر حق و انقلابی مردم قرار دارد.

از سوی دیگر دکترین راست ماهیتاً علیه انقلاب است. انقلاب را هرج‌ومرج و خشونت می‌داند، معتقد است باید از طرق دیگری، از بالای سر مردم با تمهیداتی با اتکا به دول غربی و غیره تغییری در ایران به وجود آورد. از این نظر هم اپوزیسیون راست کاملاً در برابر مردمی قرار گرفته که بلند شده‌اند برای اینکه به قدرت انقلاب خودشان اوضاع را عوض کنند.

مجموعه این شرایط نشان می‌دهد ادعای اینها مبنی بر اینکه می‌خواهیم مردم را متحد کنیم فقط یک پوشش و یک شو تبلیغاتی توخالی است. به همین خاطر این شو به سرعت رنگ باخت. الان همه کسانی که به‌نوعی این توهم را داشتند و امید بسته بودند؛ مثلاً به نشست جرج تاون متوجه شده‌اند که قضیه پوچ است و به جایی نمی‌رسد و وحدت صفوف مردم از این طرق ایجاد نمی‌شود.

ولی به‌هرحال اتحاد مردم اثباتاً حول چه می‌تواند شکل بگیرد؟ بنا به تعریف حول ارزش‌های انسانی. ما از وحدت انسان‌ها صحبت می‌کنیم و انسان‌ها می‌توانند فقط حول ارزش‌هایی مستقل از قومیت، ملیت، مذهب، جنسیت، نژاد و دیگر عواملی که مردم را از یکدیگر جدا می‌کند، متحد بشوند و این ارزش‌ها ارزش‌هایی چپ و رادیکال است، ارزش‌های حزبی مثل حزب ما که محور سیاست‌هایش انسانیت و آزادی و برابری همه انسان‌ها است. نیروهای راست کلاً ربطی به این ارزش‌ها و سیاست‌های انسانی ندارند و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی هیچ‌وقت بخشی از سیاست‌ها و گفت‌وگوها و تبلیغاتشان نبوده است.

**خلیل کیوان:** شما وحدت صفوف مردم را حول سیاستی که توضیح دادید ممکن می‌دانید. ولی سؤال این است که ما اقشار و طبقات مختلف در جامعه داریم که منافع و خواسته‌های متفاوتی و بعضاً متناقضی دارند. در این شرایط چطور می‌شود وحدت صفوف مردم را ممکن کرد؟

**خلیل کیوان:** مردم و نیروهای مختلف از وحدت برای سرنگونی جمهوری اسلامی صحبت می‌کنند. وحدت به چه معناست؟ آیا اساساً وحدت اقشار و طبقات مختلف اجتماعی در دل یک انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است؟ اگر پاسخ آری است پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود. اینکه کدام ارزش‌ها و سیاست‌ها متحدکننده هستند؟ کدام سیاست‌ها و ارزش‌ها باعث تفرقه می‌شوند؟ چه نیروهایی عامل اتحاد و کدام نیروها عامل تفرقه هستند؟ و بالاخره در امر اتحاد و همبستگی مردم نقش نیروهای مختلف چه خواهد بود؟ این پرسش‌ها را با حمید تقوایی در میان می‌گذاریم.

حمید تقوایی، تقریباً همه نیروهای درگیر در انقلاب اعم از چپ و راست و میانه، منهای استثنائاتی، از وحدت صفوف مردم و انقلاب حرف می‌زنند؛ اما در عمل دیدیم نیروهای راست به‌ویژه جناح افراطی و سلطنت‌طلب خودشان عامل تفرقه هستند. شما وحدت صفوف مردم و انقلاب را چگونه ممکن می‌دانید؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردید خیلی از نیروها با پرچم وحدت وارد انقلاب شدند. مشخصاً نیروهای راست و سلطنت‌طلب‌ها تحت نام وحدت توانستند حرکت‌هایی هم انجام بدهند. ائتلاف‌هایی شکل گرفت، کنار هم نشستند و گفت‌وگو می‌کردند و می‌شود گفت توجیه همه هم وحدت علیه جمهوری اسلامی بود. ولی در عمل دیدیم که وحدتی که پرچمش را نیروهای راست بلند کرده بودند به هیچ جا نرسید. نه تنها به هیچ جا نرسید؛ بلکه امروز به تفرقه شدید بین خودشان تبدیل شده. یعنی خود نیروهای سلطنت‌طلب الان با همدیگر درگیر شده‌اند. در موضع‌گیری‌ها، در مدیای اجتماعی، و حتی در خیابان‌ها علیه هم می‌ایستند، علیه مردمی که مخالف سلطنت هستند چماق گردانی می‌کنند، حمله می‌کنند به مخالفین آن روایتی که آنها از انقلاب و از آینده ایران و غیره دارند و این بساط خیلی روشن است که فقط عامل تفرقه در صفوف مردم است و مانعی است در برابر پیشروی انقلاب. بحث فقط بر سر تفرقه نیست. شیوه و عملکردی که اینها دارند نه تنها به‌دوراز پرنسیب‌های سیاسی است؛ بلکه به‌دوراز پرنسیب‌های اخلاقی و انسانی است. ما شاهد سر برآوردن یک نوع لمپنیسم و عربده‌کشی در میان سلطنت‌طلب‌ها هستیم. عملکردی که کاملاً به نفع جمهوری اسلامی و علیه انقلاب و مردم است. از این رو باید گفت ادعای وحدت شرط نیست، عملکرد نیروها را باید ملاک قرار داد. اساس بحث این است که به طور عملی و واقعی چه سیاستی می‌تواند واقعاً مردم را متحد کند؟ از ابتدا معلوم بود نیروهایی که می‌خواهند به بهانه انقلاب زن، زندگی، آزادی به انقلاب ۵۷ حمله کنند، به گذشته ۴۵ سال پیش

## انقلاب زن زندگی آزادی و مسئله اتحاد مردم از صفحه ۷

**حمید تقوائی:** امر این انقلاب به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. یعنی مثل هر انقلاب دیگری قدرت سیاسی را هدف گرفته است. در این هدف من فکر می‌کنم اکثریت بالایی از مردم ایران شریک هستند. بله، جامعه طبقاتی است و جمهوری اسلامی هم طبقه معینی، طبقه صاحب سرمایه را نمایندگی می‌کند؛ ولی کسانی که امروز قدرت را در دست دارند، یعنی آیت‌الله‌ها و بیت رهبری و اعوان و انصارشان اقلیت کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند و بقیه مردم می‌خواهند این حکومت را سرنگون کنند. این هدفی است که توده مردم را متحد می‌کند. از نظر اقتصادی هم باید در نظر بگیریم که کسانی که سودهای نجومی می‌برند؛ یعنی آفازده‌ها و مافیای اقتصادی هم اقلیت ناچیزی هستند. حتی بخشی از خود طبقه سرمایه‌دار از این شرایط ناراضی است. می‌خواهد این حکومت برود. جمهوری اسلامی حکومتی نیست که منسجم باشد و کل طبقه سرمایه‌دار را با خودش داشته باشد. در اپوزیسیون هم می‌بینید که نیروهای سیاسی از چپ و راست فعال هستند. اما همانطور که توضیح دادم نیروهای راست اتحاد صفوف مردم را نمایندگی نمی‌کنند.

توده مردم، مانند هر انقلاب دیگری، در خیابان‌ها اعلام می‌کنند "ما همه با هم هستیم". به نظر من هر انقلابی، و نه فقط انقلاب جاری، خصالتی همگانی دارد، یعنی اکثریت جامعه - هر بخشی به دلایل خاص خودش - علیه حکومت است، و آنچه مردم را متحد می‌کند همین خواست و عزم جزمشان برای به زیر کشیدن حکومت است؛ بنابراین کاملاً امکان پذیر است که مردم علیه حکومت و حول خواست‌هایی که تحققشان به معنی سرنگونی حکومت است، یعنی همانطور که شعار محوری انقلاب اعلام می‌کند حول برابری زن و مرد، حول پاسداری و بزرگداشت زندگی و تأمین زندگی، حول آزادی‌های بی‌قید و شرط، علیه تابوهای مذهبی و غیره متحد بشوند. شعار زن زندگی آزادی دارد همین را آدرس می‌کند، همین را اعلام می‌کند. جامعه هم دارد شعار می‌دهد که کرد بلوچ، آذری، آزادی و برابری! شعار می‌دهد ما همه با هم هستیم. در هفته‌های گذشته در اعتراض به اعدام‌ها هشتگ ما با هم هستیم سراسری شد و هنوز هم یک شعار محوری است. به این معنا توده مردم، نیرویی که در جنبش اشغال "۹۹ درصدی‌ها" نامیده شد، علیه یک‌درصدی‌های حاکم به خیابان آمد. نه تنها در ایران بلکه همه جای جهان این قابل مشاهده است که یک اقلیت ناچیزی در همه کشورها قدرت و بخش اعظم ثروت را در دست دارد و این اقلیت ناچیز در ایران عبارت است از آیت‌الله‌های میلیاردر و بیت رهبری و آفازده‌ها و مافیای اقتصادی وابسته به آنها. جامعه علیه این اقلیت است.

انقلاب کار این توده متحد مردم است. ممکن است بخش کمی از ۹۹ درصد در خیابان باشد. ممکن است نیروی فعاله انقلاب چند درصد بیشتر نباشد؛ ولی همین چند درصد آمال و آرزوها و خواسته‌های ۹۹ درصدی‌ها را نمایندگی می‌کند. خواست مشترک همه آنها تغییر بنیادی وضع موجود است، خواست مردم سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه‌ای است که مردم واقعاً بتوانند نفس بکشند، معیشتشان تأمین شود و از فقر نابرابری اثری نباشد، بتوانند آزاد باشند و از زندگی انسانی منطبق با استانداردهای قرن بیست و یکم برخوردار باشند. بخصوص در ایران از شر اسلام و قوانین اسلامی راحت شوند. اینها همه آن وجوه مشترکی هست که مردم را دور هم نگه می‌دارد و تنها احزاب چپ و انقلابی می‌توانند نماینده این همبستگی باشند.

**خلیل کیوان:** خطر این نیروهای راست چیست؟ آیا این امکان وجود ندارد که اینها بتوانند مردم را حول مقدسات ملی و میهنی بسیج کنند و نهایتاً انقلاب را به شکست بکشانند؟

**حمید تقوائی:** در تحولات تاریخی نمی‌شود پیش‌بینی کرد امری صددرصد ممکن و یا ناممکن است. ولی احتمالی که گفتید اولاً احتمال بسیار ضعیفی است و ثانیاً اگر اتفاق بیفتد به این معنا نیست که اپوزیسیون راست پیروز شده؛ بلکه به معنی پیروزی جمهوری اسلامی است. به این معناست که جمهوری اسلامی در قدرت باقی می‌ماند. هر اندازه ارزش‌های راست و تابوها و مقدسات راست بر فضای اعتراضی حاکم شود، به همان میزان حکومت تقویت می‌شود و سر جای خودش باقی می‌ماند. حکومت را فقط با خواست‌ها و اهداف و سیاست‌های عمیق انقلابی و رادیکال و انسانی می‌شود برکنار کرد؛ بنابراین بحث سر این نیست که دو روند می‌تواند انقلاب پیدا کند، یا حول سیاست‌های راست به فرجام می‌رسد و یا حول سیاست‌های چپ. اولی نسخه شکست انقلاب است. پیروزی انقلاب تنها حول سیاست‌ها و اهداف و استراتژی انسانی و رادیکال چپ ممکن است. سیاست‌های اپوزیسیون راست تنها می‌تواند به ابقای جمهوری اسلامی منجر شود. به این معنی این نیروها عملاً علیه انقلاب و به نفع رژیم کار می‌کنند. عملاً این‌طور است. ممکن است نیت خیلی از پیروانشان این نباشد؛ ولی معنی عملی سیاست‌های راست دوام و تثبیت جمهوری اسلامی است. پرچم سلطنت، پرچم ناسیونالیسم، پرچم نژادپرستی، و پرچم بازگشت به گذشته فقط می‌تواند به نفع جمهوری اسلامی تمام بشود. از این نقطه‌نظر وظیفه نیروی انقلابی است که آنها را خستی کنند. ولی در هر حال سیر و روند اوضاع نشان می‌دهد که احتمال به شکست کشیده شدن انقلاب به خاطر سلطه ارزش‌های ملی - میهنی بسیار ضعیف است.

**خلیل کیوان:** دیدگاهی در جامعه مطرح است که اگر نیروهای مختلف با هم متحد شوند و ائتلافی صورت بگیرد کار این رژیم زودتر یکسره می‌شود و انقلاب پیروز می‌شود. در مورد ائتلاف نیروهای مختلف اپوزیسیون چه نظری دارید؟

**حمید تقوائی:** امروز دیگر، بعد از این روندی که در این ده‌ماهه طی شده، بر همه روشن است که ما در یک تقسیم‌بندی کلی دو نوع نیروی اپوزیسیون داریم. نوعی که با ارزش‌ها و اهداف و خواسته‌های انقلاب بیگانه است و اهداف و سیاست‌های دیگری دارد. امروز دارند در برابر شعار همه با هم هستیم که در کمپین علیه اعدام‌ها از حدود ۲ ماه قبل سراسری شد و عمومیت پیدا کرد اعلام می‌کنند ما با شما نیستیم، و هشتگ می‌زنند "کنار شاه می‌مانیم". یعنی حتی در حرف هم ادعای وحدت‌طلبی‌شان را کنار گذاشته‌اند. عملاً دارند در خارج کشور اعلام می‌کنند که هر کسی که شاه آنها را قبول نکند خائن است، اجنبی است و حتی به مردم حمله فیزیکی می‌کنند.

بنابراین وقتی از ائتلاف یا کنار هم قرار گرفتن نیروها صحبت می‌کنیم این تنها می‌تواند در مورد نیروهای چپ و انقلابی موضوعیت داشته باشد. نیروهایی که واقعاً پرچم خواست‌های برحق و انسانی مردم را بلند می‌کنند و می‌خواهند انقلاب برای زن زندگی آزادی پیروز بشود و نه برای مرد میهن آبادی یا آن‌طور که امروز می‌گویند "مرد میهن پهلوی". این شعارها ارتجاعی و ضد منافع مردم است.

نیروهای انقلابی هم گرچه می‌توانند در عرصه‌های مختلف مبارزه کنار هم قرار بگیرند؛ ولی به نظر من در اینجا هم وحدت استراتژیک موضوعیتی ندارد. احزاب مختلف هر چقدر هم طرفدار انقلاب باشند متدولوژی و تاکتیک‌ها و شیوه‌های مبارزاتی مختلفی دارند. در رابطه با نظام سیاسی در ایران هم نقطه‌نظرات و آلترناتیوها و برنامه‌های اثباتی متفاوتی را مطرح می‌کنند. از این رو بحثی از وحدت یا حتی ائتلاف‌های پایدار نمی‌تواند در میان باشد؛ اما کنار هم قرار گرفتن عملی نیروهای چپ و انقلابی و به اصطلاح وحدت عمل مثلاً علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای آزادی توماج که امروز مطرح است، و یا عرصه‌های معین دیگری کاملاً ممکن است و



چپ و انقلابی نظیر حزب ما است که از قدرت انقلاب به عنوان فاکتوری برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی استفاده کند.

**خلیل کیوان:** وقتی نگاه که می‌کنیم به اوضاع ایران می‌بینیم که جامعه تسلیم نشده. جمهوری اسلامی هم قادر به کنترل اوضاع نیست. همه برایشان این پرسش مطرح است که برآمد بعدی کی اتفاق می‌افتد و چه شکلی به خودش می‌گیرد؟ شما چه ارزیابی‌ای از اوضاع فعلی دارید و چشم‌انداز تحولات سیاسی را چه می‌بینید؟

**حمید تقوائی:** روشن است که در شرایط حاضر تظاهرات‌ها و تجمعات فروکش کرده، هم در خود ایران و هم در خارج. ولی این امر به این معنا نیست که کل انقلاب عقب رانده شده یا متوقف شده است. به این معنی نیست که مردم مرعوب شده‌اند یا جمهوری اسلامی تثبیت شده و غیره. هیچ کدام از اینها را مشاهده نمی‌کنیم. اعتراض در اشکال مختلف ادامه دارد. در شکل فراخوان‌هایی برای جشن تولدهای جان‌باختگان انقلاب، برای روزهای معین مثل سالگرد انقلاب، اعتراضات مدنی مثل بی‌حجابی که هر روز فراگیرتر می‌شود و به روشنی حکومت در برابر آن شکست خورده، کارزارهای مختلف مثل کارزار برای آزادی توماج، تجمعات اعتراضی بازنشستگان و همچنین اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان که همچنان ادامه دارد، و در کنار همه اینها تعرض رو به گسترش مردم در فضای مجازی. امری که به اعتراف خودشان اعصاب خامنه‌ای و حکومتش را خرد کرده است.

اینها همه نشان می‌دهد که انقلاب زنده است. آنچه عوض شده و دیگر قابل بازگشت نیست رابطه و توازن قوا بین مردم و حکومت است. جمهوری اسلامی در نظر اکثریت مردم ایران باید برود. این حکومت دیگر هیچ نوع اعتباری ندارد و کاملاً رسوا شده است. بعد از این کشتارها و توحشی که در این ده ماهه از حکومت مشاهده کردیم دیگر کمترین اعتبار سیاسی و اخلاقی برای جمهوری اسلامی در ایران و در سطح جهانی باقی نمانده. حکومت با خشم و نفرت اکثریت قریب به اتفاق مردم مواجه است و دست به هر اقدامی می‌زند بر این خشم و نفرت عمومی می‌افزاید. از نظر مردم رژیم مرده است و فقط جسدش را به زور نگه داشته. نقطه اوج انقلاب هنوز در پیش است و خود حکومتی‌ها هم همین نگرانی را دارند. هیچ مقام حکومتی ادعا نکرده است انقلاب، یا به قول خودشان آشوب، تمام شد و ما بر همه چیز مسلط هستیم. بر عکس همه از ادامه این وضعیت و اوج مجدد انقلاب صحبت می‌کنند.

مسلم است که جامعه به شرایط قبل از انقلاب بر نمی‌گردد و توازن قوا برای همیشه به نفع مردم و به ضرر حکومت تغییر کرده است. این درست است که شکل اصلی تعرض هر انقلابی اعتصابات و تظاهرات و تجمعات خیابانی است و از این نظر انقلاب فروکش کرده، ولی هر انقلابی افت‌وخیز دارد و همه چیز نشان می‌دهد که انقلاب مجدداً سر بلند خواهد کرد. در این نباید تردید داشته باشیم.

می‌پرسید به چه شکلی؟ این دیگر دقیقاً قابل پیش‌بینی نیست. می‌تواند به شکل اعتصابات سر بلند کند. می‌تواند به شکل تجمعات خیابانی مثلاً در سالگرد انقلاب باشد، می‌تواند به شکل اعتراضات زنان، گسترش بی‌حجابی همراه با رقص و پایکوبی خیابانی حرکت ادامه پیدا کند. یا مراسم یادبودها و بزرگداشت جان‌باختگان که الان مراسم تولد هم به آن اضافه شده. همه اینها اشکال ممکنه است؛ ولی در هر حال هر شکلی باشد در این تردیدی نیست که جامعه تسلیم نشده، آرام نگرفته و همچنان رژیم را در سطوح و عرصه‌ها مختلف به چالش می‌کشد. من فکر می‌کنم روندی که با جان‌باختن ژینا امینی شروع شد تا سرنگونی کامل جمهوری اسلامی به پیش می‌رود. افت‌وخیز دارد؛ ولی متوقف نخواهد شد.

۵ ژوئیه ۲۰۲۲ ۱۶ تیر ۱۴۰۲

امر مثبتی هم هست.

**خلیل کیوان:** یک نکته که همیشه در اذهان هست این است که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای چطور می‌تواند به روندها و مسئله اتحاد صفوف مردم تأثیر بگذارند. در ۲۰۰ سال گذشته بخصوص دنیا شاهد دخالت‌های زیادی چه در سطح بین‌المللی و چه در حوزه اوضاع سیاسی ایران بوده است. انقلاب با چه مخاطراتی از طرف آنها مواجه است؟

**حمید تقوائی:** دولت‌ها منافع طبقه حاکمه کشور خودشان را نمایندگی می‌کنند و بر این مبنا تصمیم می‌گیرند. استراتژی‌شان بر این مبنا است، و مواضع تاکتیکی‌شان هم بر این مبنا است؛ بنابراین به عنوان یک قاعده کلی اگر انقلابی از پائین حکومتی را به خطر نیندازد دولت‌های دیگر اصراری به تغییر آن حکومت ندارند. نمی‌خواهند اوضاع به هم بریزد و مناسبات و منافعشان با دولت‌های دیگر به خطر بیفتد. به عبارت دیگر اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها خواهان حفظ وضع موجود در کشورهای دیگر هستند. تنها عاملی که این شرایط را می‌تواند تغییر بدهد اعتراضات توده‌ای و انقلابی در یک کشور است. در رابطه با جمهوری اسلامی شاهد بودیم که وقتی انقلاب در ماه‌های اول از نظر تظاهرات و تجمعات خیابانی اوج گرفت دولت‌ها هم لاف‌ها در لفظ و تبلیغات از جمهوری اسلامی فاصله گرفتند و از مبارزات مردم حمایت کردند. ولی الان که مبارزات خیابانی فروکش کرده است دولت‌ها هم به سیاست‌ها و مناسبات قبلی‌شان در رابطه با جمهوری اسلامی برگشته‌اند. این یک قانون عمومی است. اما این امر به معنای این نیست که دولت‌های دیگر تا روز آخر در کنار جمهوری اسلامی باقی می‌مانند. تجربه نشان داده که در صورتی که دولت‌ها تشخیص بدهند حکومتی که زیر فشار انقلاب قرار گرفته دیگر قادر به کنترل اوضاع نیست و مردم می‌روند که آن را به زیر بکشند، موضعی می‌گیرند که در آینده آن کشور جایی داشته باشند. کنار انقلاب قرار می‌گیرند با این هدف که بر روند آن تأثیر بگذارند و آلت‌ناتیوهای مطلوب خودشان را تحمیل کنند. از این رو باید گفت که رابطه دولت‌ها با جمهوری اسلامی خود تابعی هست از قدرت انقلاب مردم و توازن قوا بین مردم و حکومت در ایران. هر چه جمهوری اسلامی بی‌ثبات‌تر و ضعیف‌تر بشود و روند انقلاب قدرتمندتر و پیگیرتر بشود دولت‌ها به خاطر منافع خودشان هم که شده از جمهوری اسلامی بیشتر فاصله می‌گیرند. اما همانطور که اشاره کردم امر دولت‌ها در هر حال تأثیرگذاری بر تحولات در جهت منافع خودشان است. این دیگر به عهده نیروهای انقلاب مانند حزب ما است که اجازه ندهند دولت‌های دیگر بر روند انقلاب و نظام آتی تأثیر بگذارند.

در شرایط حاضر ما دقیقاً شاهد همین روند هستیم. نیروهای راست که به دولت‌های غربی دخیل می‌بندند خود از تغییر بنیادی وضعیت به قدرت انقلاب نگران‌اند. رژیم چنج مطلوب آنها نوعی دست‌به‌دست شدن قدرت از بالا با حداقل تغییرات در نظم حاکم است. اما حتی در این سطح هم اشتباه می‌کنند. بدون فشار انقلاب رژیم چنجی در کار نیست. دولت‌های غربی نه می‌توانند و نه می‌خواهند که عامل تغییر حکومت در ایران باشند. مواضع آنها در قبال حکومت در ایران تابعی از قدرت انقلاب مردم است. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها به قدرت انقلاب مردم ممکن است و این فاکتور تعیین‌کننده‌ای در رابطه دیگر دولت‌ها با جمهوری اسلامی نیز هست. با اوج‌گیری انقلاب حتی می‌توان با اتکا به توده مردم و نیروهای چپ و رادیکال در کشورهای غربی دولت‌ها را مجبور کرد که جمهوری اسلامی را بایکوت کنند. روشن است که این امر هم قبل از هر چیز به قدرت انقلاب در خود ایران بستگی دارد. در هر حال عامل اصلی و تعیین‌کننده قدرت خیابان است و این وظیفه احزاب

## اطلاعه‌های هفته اخیر

مشهد تجمع بازنشستگان با فریاد شعارها و راهپیمایی ادامه یافت.

روز ۱۲ تیر کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت‌تپه همراه با تعدادی از کارگران قراردادی این شرکت برای چندمین بار در اعتراض به عدم اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند اندکی به مزدشان اضافه کند و دیگر خواست‌های پاسخ نگرفته خود مقابل دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا زمان حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

در این روز همچنین راهبران خط پنج مترو تهران در اعتراض به برنامه هفتم توسعه حکومت که تعرضی آشکار به کارگران و کل جامعه است در اعتراض به حذف کار خود از ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبرها شغل راهبری قطارهای مترو با توجه به نظر کارشناسان HSE و کمیته استانی جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب گردیده است. در این کار کارگران به دلیل کار با برق فشارقوی و کار در تونل و وجود آلاینده‌های محیطی، آلودگی صوتی، و ارتعاشات و غیره در معرض آسیب‌های بدنی از جمله آسیب‌رسانی به بینایی، شنوایی، ریه، پوست و ستون فقرات هستند. بعلاوه اینکه استرس کاری این کارگران بسیار بالاست. بر اساس بند (ب) تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی افرادی که ۲۰ سال متوالی در کارهای سخت و زیان‌آور اشتغال داشته باشند؛ با احتساب هر سال سابقه معادل یک و نیم‌سال بازنشسته خواهند شد. اکنون در برنامه هفتم توسعه حکومت این حق نیز از کارگران گرفته شده است. طبق این برنامه تعرضی سنوات ارفاقی در مشاغل سخت و زیان‌آور برای هر سال ۱/۲ برابر و حداکثر هفت سال خواهد بود. از طرفی حداقل سن لازم برای بازنشستگی در این مشاغل برای مردان پنجاه سال است؛ لذا اکثر راهبران بجای ۲۰ سال ۲۶ سال و کسانی که از ۲۰ سالگی مشغول به کار شده‌اند ۳۰ سال باید کار کنند. این مورد فرسایش جسمی و روحی راهبران را افزایش داده و باعث کاهش ایمنی در حمل‌ونقل مسافران خواهد شد. از سوی دیگر بنا بر قانون تا کنونی مستمری بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور بر اساس متوسط حقوق ۵ سال آخر بیمه پردازی محاسبه می‌شود. اما در قانون کنونی (میانگین ۲ سال آخر) در نظر گرفته شده و این باعث کاهش قابل توجه مستمری بازنشستگی آنها خواهد شد. اعتراض به برنامه توسعه هفتم موضوع اعتراض همه کارگران و به‌ویژه بازنشستگان است.

روز ۱۱ تیر نیز پرستاران قرارداد ۸۹ روزه در شهرهای ایرانشهر، راسک، فنوج، چابهار و نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به اخراج جمعی خود دست به اعتصاب زدند و خواستار تعیین وضعیت استخدامی خود شدند. این اعتراضات ادامه دارد. این اعتراضات به دنبال افزایش یک‌نامه منسوب به عبدالعزیز جمشیدزهی سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر شکل گرفت. در این نامه به کلیه بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دستور داده شده بود که با "تیروهای ۸۹ روزه" و ساعتی تسویه حساب کنند. این موضوع بر اعتراضات پرستاران این شهر که با فشار سنگین کاری و دستمزدهای ناچیز درگیرند، شدت داده است.

همچنین در روز یازدهم تیرماه برخی از تراکتورداران کلاگنجی، محور کلاگنج به کهنوج حوالی دولا ب در سیستان و بلوچستان جاده نهضت آباد رودسر را در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت کشاورزان و تراکتورداران بستند. در همین رابطه در روز قبل نیز توسط تراکتورداران رودباری محور

## تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه

### یکشنبه‌های اعتراضی

روز یکشنبه ۱۱ تیرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در مقابل ساختمان تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، شوش، کرخه و هفت‌تپه، اهواز، رشت و کرمانشاه برگزار شد. در رشت بازنشستگان با خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی همراه با کف‌زدن صحنه پر شوری از اعتراض را ایجاد کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود، مصوبه مزدی شورای عالی کار و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" است که تعرضی به معیشت آنها و کل جامعه است و به اختلاس‌ها و دزدی‌هاست. اجرای کامل همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که اکنون از رقم سی میلیون نیز گذشته است و درمان رایگان و پایان دادن به دزدی‌ها از صندوق بازنشستگان و بازگرداندن شدن پول‌های به سرقت رفته به این صندوق خواست‌های فوری این بازنشستگان است. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "قط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "اعتراض اعتراض، علیه فقر و فساد".

هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان در اعتراضات و روزهای مختلف هفته را به روز اعتراض خود تبدیل کرده‌اند. روز ۹ تیرماه نیز هم‌زمان با سفر رئیسی به استان کرمان بار دیگر شمار قابل توجهی از بازنشستگان و کارکنان مس در اعتراض به واگذاری صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه و دزدی‌های پشت پرده، در مقابل درب ورودی مجتمع مس سرچشمه تجمع اعتراضی ای برگزار کردند. در این تجمع یکی از زنان معترض فریاد اعتراض را به این واگذاری اعلام کرد و گفت ما تا وقتی این مسئله حل نشود از این محل تکان نمی‌خوریم و سخنان او با کف‌زدن جمعیت مورد تأیید قرار گرفت. بازنشستگان صندوق مس بارها با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان ابطال مصوبه "شورای عالی رفاه" در خصوص الحاق مؤسسه صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه، توسط دیوان عدالت اداری حکومت، شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ تیر ۱۴۰۲، ۲ جولای ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## تجمعات بازنشستگان مخابرات و اعتصاب پرستاران

### در چند شهر و سه خبر دیگر

امروز ۱۲ تیرماه بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته در چندین شهر تجمع کردند. در این روز بازنشستگان در شهرهای مشهد، اهواز، و بندرعباس مقابل ادارات مخابرات تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی بلند کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمعات تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "ما حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "وزیر بی‌لیاقت، استعفا، استعفا"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تورم گرانی بلای جان مردم"، "بیمه غیرنقدی حق مسلم ماست"، و "ظلم و ستم کافی، سرفه ما خالی. در اهواز و

مواصلاتی رودبار به ایرانشهر مسدود گردید.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ تیرماه ۱۴۰۲، ۳ جولای ۲۰۲۳

### تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر و کارگران رسمی در نیشکر هفت تپه

امروز ۱۳ تیر بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه‌شنبه‌های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در شهرهایی چون سنندج، قزوین، یزد، کرمانشاه، اردبیل و ممسنی در مقابل صندوق بازنشستگی این شهرها برگزار شد.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "همسان‌سازی کامل، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "آموزش رایگان، حق فرزند ایران"، "می‌میریم می‌میریم، ذلت نمی‌پذیریم".

همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای خط فقر که امروز رقم آن بالای سی میلیون است، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، و پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، از جمله خواست‌های اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان است و در تجمعات اعتراضی این روز آنها نیز با تابلو یافت. خواست‌های این بازنشستگان خواست‌های همه مردم است و باید وسیعاً مورد حمایت قرار گیرد.

خبر دیگر اینکه در این روز کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت‌تپه برای چندمین بار در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و عدم اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل با خواست بازنگری مجدد آن و افزایش حقوقی‌هایشان مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. کارگران معترض به داخل دفتر مدیریت امور اداری رفته و اعلام کردند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ تیر ۱۴۰۲، ۴ جولای ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

### ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه همچنان ادامه دارد. امروز ۱۴ تیر این کارگران در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و اختلافات فاحش حقوق بین شرکت‌های هفت طرح و هفت تپه به تجمعات و اعتراضات خود ادامه دادند.

روز گذشته این کارگران اولتیماتوم دادند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

کارفرمایان دولتی و خصوصی به بهانه‌های مختلف از حقوق زیر خط فقر کارگران دزدی می‌کنند و زندگی مشقت باری را به کارگران تحمیل کرده‌اند. اعتراضات کارگران و بازنشستگان و بخش‌های دیگر طبقه کارگر هر روز در اشکال مختلف و در مناطق مختلف جریان دارد.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ تیر ۱۴۰۲، ۵ جولای ۲۰۲۳

سیستان و بلوچستان یک کانون داغ اعتراضات است و در جمعه‌های هر هفته مردم در این استان به‌ویژه در شهر زاهدان به خیابان می‌آیند و با شعارهای ضد حکومتی فریاد اعتراض خود را علیه سرکوب‌گری‌های حکومت اعلام می‌کنند و بر تداوم انقلاب می‌گویند. از جمله مردم در شهر زاهدان در جمعه این هفته نیز خیابان‌های این شهر را به صحنه اعتراضات خود تبدیل کردند.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ تیر ۱۴۰۲، ۳ جولای ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

### "پسر جهان" در معرض خطر اعدام!

### توماج باید فوراً آزاد شود!

دادگاه دوم توماج صالحی خواننده رپ مخالف جمهوری اسلامی، خواننده محبوب مردم که روز یکشنبه ۱۱ تیرماه در اصفهان به ریاست جلادی به نام براتی برگزار شد، او را به افساد فی‌الارض متهم کرده است. اتهامی که خطر مجازات اعدام دارد.

امیر رئیس‌بان وکیل توماج گفته است تصمیم دادگاه بر اساس قوانین حکومت در عرض یک هفته به وکلای او ابلاغ خواهد شد. توماج متهم شده است که به نشر اکاذیب پرداخته و با رسانه‌های خارجی مصاحبه کرده و این مصداق همکاری با دولت متخاصم است. او همچنین متهم است که با دعوت مردم به بیان خواسته‌ها و مطالبات خودشان، مرتکب دعوت به آشوب و اغتشاش شده و بعلاوه علیه نظام تبلیغ کرده و به خمینی و خامنه‌ای توهین کرده است.

توماج در شعرهایش به فساد در نظام و زندان و شکنجه و اعدام و فقر و محرومیت مردم پرداخته و به همین دلیل به خواننده‌های محبوب در میان مردم تبدیل شده است. اتهامات وارده به او نیز به هر درجه واقعیت داشته باشد، به همان درجه موجب محبوبیت توماج و احترام جامعه و مردم به ستوه آمده از او شده است. یک جامعه علیه حکومت فاسد اسلامی و علیه خامنه‌ای و خمینی شعار می‌دهند و عکس سران حکومت را به آتش می‌کشند. جرم توماج همان جرمی است که یک جامعه به‌پاخاسته در آن شریک است.

نه فقط مردم ایران و همه ایرانیان ساکن خارج از کشور به شدت نگران وضع این فرزند محبوب آزاده و هنرمند و دلیر خود هستند، بلکه موجی از نگرانی در جهان براه افتاده است. سه نماینده پارلمان اتریش، ایتالیا و آلمان که کفالت سیاسی او را بر عهده گرفته بودند با انتشار ویدئویی ابراز نگرانی کرده‌اند. هفته گذشته انجمن قلم آمریکا محاکمه توماج صالحی در پشت درهای بسته و به‌صورت غیرشفاف را محکوم کرد و خواستار تبرئه و آزادی فوری وی شد. امروز دوشنبه ۱۲ تیر توماج صالحی طی مراسمی به‌عنوان شهروند افتخاری شهر فلورانس پذیرفته شد و شبنم خسروی دخترخاله توماج هنگام دریافت این عنوان گفت که "توماج نه فقط پسر ایران که جهان است و هنر هیچ مرزی ندارد". اقبال اقبالی، دایی توماج صالحی نیز طی بیانیه‌ای که امروز منتشر کرد از مردم داخل و خارج ایران و همه مدافعان آزادی خواست که به کارزار آزادی توماج بپیوندند.

حزب کمونیست کارگری چون همیشه همراه مردم ایران و همه مدافعان آزادی و انسانیت در سراسر جهان با تمام قوا در کارزار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط توماج صالحی شرکت می‌کند و تمام اعضا و دوستان خود و همه کوشندگان راه آزادی در ایران و جهان را فرامی‌خواند که حتی یک‌لحظه را هم در تلاش برای آزادی فوری توماج عزیز از دست ندهند!



## شنبه ۸ جولای

## همه جا در همه شهرها

## در دفاع از توماج!

توماجمان را به اتهام صدای اعتراض میلیون‌ها انسان به‌جان‌آمده از ۴۴ سال قتل و کشتار و چپاول اسلامی به زنجیر کشیده‌اند، در دهلیزهای خفقان شکنجه کرده‌اند و در دادگاه دوم فاسدترین انگل‌های تاریخ بشریت حکم قتلش را صادر کرده‌اند.

این رپر جوان صدای اعتراض ماست! این خواننده محبوب میلیون‌ها پیر و جوان، گروگان ما در نزد رژیم تروریست و قاتل اسلامی است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری از تمام مردم شریف و آزاده می‌خواهد که روز شنبه ۸ جولای را در هر جا که هستیم، در هر شهر و در هر نقطه از جهان برای آزادی توماج عزیزمان به خیابان‌ها بیاییم!

توماج باید فوراً و بی‌قیدوشرط آزاد شود!

# توماج\_صالحی\_صدای\_اعتراض\_ماست\_و\_تنها\_نیست!

# زن\_زندگی\_آزادی!

# نابود\_باد\_جمهوری\_اسلامی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

۵ جولای ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## در محکومیت ترور دو پیش‌مرگ

## حزب دموکرات کردستان ایران

حزب دموکرات کردستان ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که ساعت ۱۲ و ۴۰ دقیقه صبحگاه روز ۱۶ تیرماه ۱۴۰۲ درحالی‌که چند نفر از اعضای حزب دموکرات برای دیدار خانواده‌هایشان به منطقه "هه لشو" از توابع شهر "قه لادزه" در کردستان عراق رفته بودند، در عملیاتی از قبل طرح‌ریزی شده، مورد حمله یکی از مزدوران جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و دو نفر از آنان به نام عادل مهاجر و لقمان آجی جانشان را از دست می‌دهند.

تروریست‌های حکومت اسلامی در کردستان عراق بیش از ۴۰۰ نفر از فعالین اپوزیسیون را در سال‌های گذشته در کردستان عراق ترور کرده‌اند. ما بارها اعلام کرده‌ایم که احزاب حاکم در کردستان عراق با بازگذاشتن دست جمهوری اسلامی و چشم‌پوشی بر حضور تروریست‌های آن در این منطقه عملاً زمینه ترور مخالفین جمهوری اسلامی را فراهم کرده‌اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ترور عادل مهاجر (سرباز) و لقمان آجی را قویاً محکوم می‌کند و به بستگان آنها و حزب دموکرات کردستان ایران تسلیت می‌گوید.

از مردم کردستان عراق و احزاب و تشکل‌های پیشرو در این منطقه انتظار می‌رود حکومت اقلیم را تحت فشار قرار دهند تا از همکاری با جمهوری اسلامی دست بردارد و مانع حضور جنایت‌کاران جمهوری اسلامی در این منطقه شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۴۰۲، ۷ ژوئیه ۲۰۲۳

## حکم اعدام عباس دریس تأیید شد

## عباس دریس باید فوراً آزاد شود

در ادامه صدور احکام سنگین برای معترضان و تشدید سرکوب‌گری‌های حکومت علیه انقلاب زن زندگی آزادی، دیوان عالی قضائی جمهوری اسلامی حکم اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ را تأیید کرد. این خبر توسط فرشته تابان و کیل وی رسانه‌ای شده است. پرونده او مربوط به کشتار نیزار ماهشهر توسط سرکوبگران جنایت‌کار جمهوری اسلامی در سال ۹۸ است. عباس دریس در آن سال به همراه برادرش محسن دریس دستگیر شد و با اتهاماتی واهی همچون "محرابه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نویو ۵ سال است که در زندان به سر می‌برد.

عباس دریس از طریق شکنجه‌های وحشیانه و حتی ربودن همسر و فرزندش برای اعترافات اجباری و پیش‌برد سناریوهای نخ‌نمای دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی تحت فشار گذاشته شد. او زیر این فشارها علیه خود اعترافات تلویزیونی در خصوص تیراندازی به نیروی انتظامی داشته که هرگز صحت نداشته است. این در حالی است که ماهشهر و شهرک‌های حاشیه‌ای آن از کانون‌های اصلی اعتراضات آبان ۹۸ بود و روایات تکان‌دهنده‌ای از شدت سرکوب مردم، به‌خصوص به رگبار بستن معترضان در نیزار، وجود دارد.

عباس دریس چهل سال دارد و پدر سه فرزند است. او مدت بیست سال کارگر اداره برق ماهشهر بود و بعد از اخراج از کار ناگزیر به کار دست‌فروشی شد. عباس دریس در سال‌های زندان نیز با ساخت صنایع‌دستی چرمی تلاش کرده است به تأمین معیشت فرزندانش کمک کند. همسر عباس دریس، کفایه حزباوی، وقتی خبر حکم اعدام عباس را شنید دچار سکنه مغزی شد و مدتی بعد متأسفانه درگذشت.

اکنون جمهوری اسلامی برای عقب زدن انقلاب مردم بار دیگر پرونده وی را جلو آورده و حکم بر قتل وی را صادر کرده است. باید با اعتراضات وسیع مانع این جنایت شویم.

خانواده عباس دریس طی نامه‌ای تحت عنوان "دیوان عالی کشور حکم ظالمانه اعدام عباس را تأیید کرده است" از همگان طلب کمک و پشتیبانی کرده است. به حمایت از عباس دریس بشتابیم. در نامه خانواده عباس دریس چنین آمده است: "ما خانواده دریس، از تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و مجامع و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی تقاضا داریم تا به هر وسیله تلاش کنند از اجرای این حکم جلوگیری شود." کمیته برای آزادی کارگران زندانی با تمام قوا تلاش می‌کند صدای عباس دریس و خانواده‌اش در سطح جامعه و در جهان باشد. کمیته برای آزادی کارگران زندانی از همه مردم می‌خواهد که با اعتراضی سراسری جلوی این جنایت را بگیرند. عباس دریس باید بدون قیدوشرط آزاد شود.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی همچنین از اتحادیه‌های کارگری در سراسری جهان و همه نهادهای انسان‌دوست می‌خواهد که صدور حکم اعدام برای عباس دریس را محکوم کنند و برای آزادی او از زندان به هر شکلی که می‌تواند به جمهوری اسلامی فشار بیاورند و مانع شوند.

آنچه بر سر عباس دریس و خانواده‌اش آمده و امروز صدور حکم اعدام برای او گوشه‌ای دیگر از جنایات رژیم اسلامی علیه مردم است. این حکومت باید در سطح جهان بایکوت و از سازمان جهانی کار اخراج شود. به این کارزار بپیوندید.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی (FTN)

shahla.daneshfar2@gmail.com  
<https://www.free-them-now.com/>



توماج صالحی،  
بی قید و شرط و فوراً  
آزاد باید گردد!



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpIran>

تلگرام: [https://t.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpIran](http://www.facebook.com/wpIran)

اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91)

تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)